



تغییرات اقلیمی تغییرات اقلیمی و دولت‌های پاسخگو

شاید بتوان مهم‌ترین معضل بشر در قرن حاضر را تغییرات اقلیمی و نوسانات شدید آب و هوایی ناشی از صنعتی‌شدن و آلودگی هوا و ویرانی محیط زیست دانست که زمین را بسیار گرم و در برخی مناطق غیرقابل سکونت می‌سازد. این پدیده جدید رو به وخامت که کل سیاره زمین را تهدید می‌کند، هزینه‌های هنگفتی بر دوش کشورها به‌ویژه در مناطق گرم و خشک و در حاشیه دریاها می‌اندازد.

البته که مقابله جدی با خطر عاجل گرمایش زمین نیازمند شیوه‌های نوین حکمرانی و مدیریتی به شکل اقدام جمعی در مقیاس جهانی و تاسیس سازمان‌های تخصصی بین‌المللی و پیمان‌های دارای ضمانت اجرایی است. با این حال، چاره‌اندیشی، پیشگیری، آمادگی و واکنش سریع دولت‌ها و ارگان‌های مسوول در برابر بلایای رو به افزایش مانند سیل و توفان و خشکسالی، چه قبل و چه بعد از واقعه نیز مهم و ضروری است. هر دولتی فارغ از نوع نظام سیاسی، مایل است در قلب توده‌های مردم جایی برای خود باز کند. سیاستمداران به‌ویژه آن دسته که با رای مردم به قدرت می‌رسند، اشتیاق شدیدی به دیده‌شدن دارند تا این احساس را به رای‌دهندگان خود منتقل کنند که بی‌تفاوت نیستند، به فکر مردم هستند و در مسابقه خدمت روز و شب و تعطیل و غیرتعطیل نمی‌شناسند.

یکی از راه‌های نفوذ در دل توده‌ها به میان مردم رفتن و نشان دادن خود در بین آنها در پی هر حادثه و واقعه ناگواری است. چنین حضوری، حتی اگر لازم باشد، به تنهایی کافی نیست و فقط نقش مسکن و التیام موقتی دارد؛ چون اگر مردم احساس کنند این حضورها جنبه نمایشی دارد از چنین رفتاری دلزده می‌شوند. همچنین اگر معلوم شود دولت علاج واقعه قبل از وقوع آن به شکل‌های گوناگون از قبیل اطلاع‌رسانی و

هشداردهی، اجرای دقیق و بی‌مسامحه قوانین مهم و حیاتی در حوزه طبیعت، جنگل و پوشش گیاهی، احداث آبخیزداری و آبخوان‌داری و مجازات قانون‌شکنان به حریم رودخانه‌ها و جنگل‌ها را نکرده است، در صحنه حادثه حاضر شدن حکم‌نوشداروی بعد از مرگ را پیدا می‌کند.

یک ویژگی سیل یا توفان در جلوی چشم بودن آن و ویرانی‌هایی است که بر جای می‌گذارد و به لطف همه‌جاگیری گوشی‌های موبایل هرکس در دورافتاده‌ترین مناطق ایران هم می‌تواند از آنها عکس و فیلم بگیرد و در رسانه‌های اجتماعی در معرض دید همگان قرار دهد. اما برای مثال در مساله نرخ تورم کمرشکن نزدیک به ۱۰۰ درصدی در دو سال گذشته ناشی از راه‌افتادن سیل نقدینگی که باعث فقیر شدن شمار زیادی از مردم شد و اثرات مخربش از صد یا هزار سیل هم بدتر است، واکنش و اظهار همدردی و چاره‌جویی سیاستمدارها به نسبت ناچیز بوده است.

نکته دیگر اینکه اگر احتمال دارد برخی دولت‌ها به دامن گروه‌های فرادست و صاحبان منافع خاص بالادستی فروبغلتنند و تحت فشار به آنها امتیازاتی بدهند، این خطر نیز در کمین دولتی است که به طبقات فرودست گوش می‌دهد که اگر زیاده از حد نرم و منعطف برخورد کند و در برابر هر خواسته و نیاز کوچک و بزرگی بی‌درنگ سرخم کرده و آن را تایید کند و دستور به رفع آن دهد به دولتی منفعل، بی‌نظم، سرگشته و سرگردان بدل شود که از وظایف اساسی خود غافل مانده است.

اگر به پیروی از لنت پریچت، اقتصاددان توسعه، توسعه ملی را حاصل دگرگونی در چهار عرصه زیر بدانیم: ۱- اقتصاد مولدتر و بهره‌ورتر، ۲- حکومت حساسیت‌پذیرتر و پاسخگوتر، ۳- نظام اداری قابل‌تر و شایسته‌تر و ۴- نگاه یکسان و فارغ از هویت با شهروندان، این چهار عامل در نهایت تعیین‌کننده میزان پیشرفت و رفاه همگانی کشورها هستند. اینجاست که ضرورت بوروکراسی سلسله‌مراتبی و حرفه‌ای و منسجم بیش از هر زمان احساس می‌شود که هر کسی وظیفه خود را به خوبی می‌داند و در قبال عملکردش

پاسخگو است.

البته تا زمانی که شریان حیات دولت ها از پول آسان به دست آمده و بدون زحمت (unearned income) مانند نفت قطع نشود و برای تداوم حیات مجبور نباشند تنها به مالیات ستانی وابسته باشند که از نوع درآمد اکتسابی و با زحمت به دست آمده (earned income) است، احتمال حساسیت پذیری و پاسخگویی در قبال خواسته های اساسی شهروندان کمتر خواهد بود؛ چون شهروندی که مالیات می پردازد به شکل های گوناگون دولت را حساسیت پذیر و پاسخگو می سازد و خوشبختانه در سال های اخیر سهم مالیات در بودجه دولت ما افزایش داشته است.

منبع:

<https://donya-e-eqtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%D8%B1%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87-28/3889063-%D8%AA%D8%BA%DB%8C%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%82%D9%84%DB%8C%D9%85%DB%8C-%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%BE%D8%A7%D8%B3%D8%AE%DA%AF%D9%88>